

به تو رأی می‌دهم

مجموعه شعر

صدیق قنطبی



انتشارات اریش

۱۳۹۷

سرشناسه :	قطبی‌راد، محمدصدیق، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور :	به تو رای می‌دهم : دفتر شعر / صدیق قطبی.
مشخصات نشر :	تهران: انتشارات اریش، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری :	۱۶۱ ص. ۱۴/۵×۲۱ س
شابک :	۹۷۸۶۰۰-۹۷۸۲۱-۵۰۴ ریال ۱۵۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی :	فیا
موضوع :	شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع :	Persian poetry -- 20th century
موضوع :	شعر سپید -- قرن ۱۴
موضوع :	Blank verse -- 20th century
رده بندی کنگره :	۱۳۹۷ ط ۲ب ۹/۸۳۵۷ PIR
رده بندی دیویی :	۱/۶۲۶۸
شماره کتابشناسی ملی :	۵۳۲۲۷۷۵



به تو رای می‌دهم

صدیق قطبی

طرح جلد: بهار رحمتی

صفحه‌آرا: امید مقصود

چاپ نخست: ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸۲۱-۵۰۴-۶۰۰-۷۸

بها: ۱۵۰۰۰ تومان

تهران - انتشارات اریش

شماره تماس: ۰۲۱-۶۶۹۰۳۸۱۳

info@arishpub.ir

www.arishpub.ir

کلیه حقوق این کتاب برای انتشارات اریش محفوظ است.

فهرست مطالب

۱۱	دیباچه.....
۱۱	عهدِ آبی ازل.....
۱۵	آه.....
۱۶	حدیث هول.....
۱۸	ک بود.....
۲۰	غنچ و آفتاب.....
۲۳	پلک‌های بسته دست داشتن.....
۲۵	سویه گرم مرگ.....
۲۶	قصه گوی خواب‌ها.....
۲۸	پدر.....
۲۹	خوشا پرنده.....
۳۱	پرنده ماندنی است.....
۳۳	دو خط موازی.....
۳۱	ستاره، باد، باران.....
۳۷	تنهای تنها.....
۳۸	خوابهای بی‌خاطره.....
۳۹	آرمیدن.....
۴۰	و مرگ، تنها مرگ.....
۴۲	باران بی‌پنجره.....

- ۴۵ به مرگ بگو
- ۴۶ رونوشت به باران
- ۵۱ تنها سکوت می ماند
- ۵۴ تاک های تنها
- ۵۶ روح گریزان
- ۵۸ هنوز و همیشه باران
- ۶۲ راز هجای باد
- ۶۵ لبخندت را روشن کن
- ۶۷ سهمِ سرخ گنجشک ها
- ۶۹ واژه های بی زبان
- ۷۱ رستخیز
- ۷۳ از من به تو یادگار
- ۷۶ استعاره شب
- ۷۸ خواب گنجشک ها
- ۸۰ هر پرنده شعری است
- ۸۲ رؤیای نخستین
- ۸۴ به تو رأی می دهم
- ۸۶ مُردن از من
- ۸۸ زندگی را آوازی بخوان
- ۹۰ اَلستِ خیال
- ۹۴ چشم و چراغ
- ۹۵ من و تو
- ۹۶ پروانگی

۹۷	به نام نرم نور
۹۹	خطاب روشن وقت
۱۰۱	سبکسری باد
۱۰۳	حال مرا بپرس
۱۰۵	همین یک قلم
۱۰۷	حریم خصوصی
۱۰۸	به خاطر نام کوچکم
۱۱۰	روزی که هرگز نیست
۱۱۵	ابد
۱۱۷	سرخ
۱۱۸	نیایش
۱۱۹	زخم وزره
۱۲۲	خالی رؤیا
۱۲۳	ایمان
۱۲۵	کسی نمی داند
۱۲۶	تطهیر
۱۲۷	زمزمه راز
۱۲۸	جدال
۱۳۰	چه دریاها
۱۳۲	شگرد پرنده
۱۳۴	در جست و جوی نامی که هرگز نبود
۱۳۶	میعاد
۱۳۸	باد، چپ است!

۱۴۰	 غروب
۱۴۲	 از باران پیرس
۱۴۴	 خواب بی تعبیر!
۱۴۶	 انار
۱۴۷	 به شرم شمعدانی‌ها
۱۴۹	 درد خانه‌ای که هرگز نبود
۱۵۱	 شیرجه
۱۵۲	 بی حساب
۱۵۵	 خطر!
۱۵۷	 خیال
۱۵۹	 بی گار
۱۶۱	 فشنگ

دیباچه

عهد آبی ازل

در آغاز، من بودم؛ و بودی و نبودن نبود.

در آغاز، پرنده بود.

پرنده، کلمه بود.

کلمه، روی شاخه‌ی همیشه سبز. سینه بود.

نشسته بود و به غلت خوردن دانه‌های براف از روی نفّس‌های
آسمان نگاه می‌کرد.

در آغاز، من چشم‌های تو بودم و انارها هر فصل، گُل می‌دند.

در آغاز، دل ما بزرگ بود.

آن قدر که آسمان وقتی خسته می‌شد آنجا می‌خوابید.

در آغاز، عشق در نگاه تو دست و رو می‌شست و اشک‌هایت
وقت آمدن، لبخند می‌زدند.

در آغاز تو به گل‌ها بشارت باران می‌دادی و گل‌ها به تو اشاره‌ی
پنهان می‌کردند.

در آغاز، دست‌های من و تو از هم شرم نمی‌کردند و رزقِ
روزانه‌ی غم‌های پاک‌شان را به سادگی با هم قسمت می‌کردند.

در آغاز «دوستت دارم» پنهانی نبود. به تصرّف در نمی‌آمد. یخ
می‌پایید.

مثل قهرری آبی روی برگ‌های اطلسی‌ها ظاهر می‌شد و
شفافیت خود را غاش می‌کرد.

در آغاز، دورها نزدیک بودند و نزدیک‌ها تر.

در آغاز دریچه را که بار می‌کردم، لبخند تو طلوع می‌کرد.

در آغاز ما می‌توانستیم قلب‌های هم را ببوسیم و در سایه‌ی
خواب‌هایمان راه برویم.

در آغاز، پیشانی خورشید، چین نداشت.

دست‌های مادرم جوان بود. پدر، برایم رَفِ خواب قصّه
می‌گفت.

شب دراز بود. صبح، آسمان پیدا بود.

در آغاز گنجشک‌ها دکمه‌های پیراهن تو را با دانه اشتباه

می گرفتند.

در آغاز تو برای همه‌ی پرندگان در موسم برف، شال می‌بافتی.

در آغاز، رونقِ بازارها از نوازش بود. سکوت، چراغانی می‌کرد و سرِ چهارراه‌ها نُقلِ شادی می‌فروختند.

در آغاز من تو را صدا کردم. تو لبخند زدی. باران آمد. چترها درخت شدند. ماهِ زمینی آب دادیم.
آب، آبی بود آب، دریا بود. دریا ماه بود. ماه، تو بودی.

در آغاز هر وقت که دل می‌گرفت، یک چاره‌ی خنک داشت.
لب پاشویه‌ی چشمه‌ی حیات می‌رفتیم. پاها را به آب می‌سپردیم. دل باز می‌شد. آب لبخند می‌زد. من آب را می‌بوسیدم. توبه شادی‌های مناسبات در آب، نگاه می‌کردی. آب ماه می‌شد. ماه تو بودی.

در آغاز قلب‌هایمان از فرط رسیدن، ترک می‌خورد؛ درست مثل
انارها.

انگشت‌هایمان خوراک عشق بود و شعرهای مان درد نمی‌کرد.
در آغاز، من بودم، تو بودی و نبودن، نبود.